

معرفی روزنامه «معارف»

● مهران آشوری*

معرفی

اشاره

یکی از روبه‌های فصلنامه گنجینه دارالفنون معرفی روزنامه‌ها، مجلات و نشریات مرتبط با آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت است. نشریه معارف که متعلق به انجمن معارف می‌باشد، یکی از نشریاتی است که می‌تواند پژوهشگران و محققان تعلیم و تربیت را از اهداف، سیاست‌های آن انجمن در آن دوره زمانی و سیاست‌گذاری‌ها مرتبط مطلع کند. در ذیل خلاصه‌ای از معرفی این روزنامه تقدیم می‌گردد.

«انجمن معارف تهران» یا «انجمن تأسیس مکاتب ملیّه ایران» نام انجمنی بود که تحت حمایت میرزا علی‌خان امین‌الدوله، صدراعظم وقت، در دهه دوم قرن چهاردهم هجری قمری توسط گروهی از روحانیون، آزادی‌خواهان، دولت‌مردان و تجار ترقی‌خواه در تهران و تبریز با هدف ترویج آموزش به شیوه غربی در ایران ایجاد شد. از جمله اقدامات آن تأسیس مدرسه، تدوین کتاب‌های درسی، و ایجاد کتابخانه، دارالترجمه، دارالتألیف، و کلاس‌های شبانه برای بزرگسالان و نیز انتشار «روزنامه معارف» بود. انجمن هسته‌ای شد که شماری از نهادهای علمی و آموزشی از آن شکل گرفتند. اهداف انجمن در شرح‌های تاریخی یا اسناد رسمی ذکر نشده است، ولی می‌توان آن را از فعالیت‌هایش چنین برداشت کرد:

- ◀ توسعه مدارس جدید بر اساس مدل‌های اروپایی به منظور تربیت یک طبقه تحصیل‌کرده کارکنان دولتی؛
- ◀ ترویج پژوهش و انتشارات، و حمایت از ترجمه‌های کتاب‌های مفید اروپایی؛
- ◀ ایجاد کتابخانه‌هایی به شیوه غربی؛
- ◀ سازمان‌دهی کلاس‌ها برای آموزش بزرگسالان.

* محقق و پژوهشگر حوزه منابع و اسناد، مسئول آرشیو مجلات مرکز اسناد و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

روزنامه معارف به صاحب امتیازی انجمن معارف در تهران تأسیس شد

«انجمن معارف تهران» در شوال ۱۳۱۵ و انجمن معارف تبریز در سال ۱۳۱۸ تشکیل شدند. سنگ بنای این انجمن از «مدرسه رشديه» گذاشته شد و باعث ایجاد مدرسه‌های جدید دیگر شد.

انتصاب امین‌الدوله، حامی فعال آموزش نوین به صدارت عظماء، موجب دلگرمی روشن‌فکران اصلاح‌گرا شد. حمایت امین‌الدوله باعث تأسیس مدرسه رشديه در تهران شد. مشاخره بین رشديه و هیئت مدیره منصوب امین‌الدوله به ایجاد انجمن معارف با هفت عضو اولیه انجامید: محمودخان احتشام‌السلطنه (رئیس انجمن)، سیدیحیی دولت‌آبادی، جعفرقلی خان نیرالملک، محمودخان الملک، علی‌خان ناظم‌العلوم، مهدی‌خان ممتحن‌الدوله و عباس‌خان مهندس‌باشی.

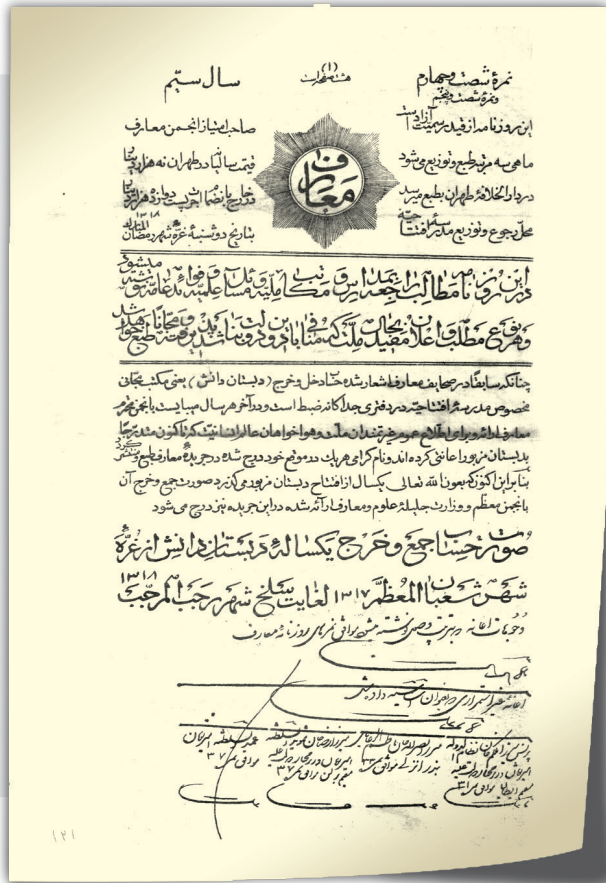
همان‌طور که بیان شد، انتشار روزنامه معارف از اقدامات انجمن معارف بود. روزنامه معارف به صاحب امتیازی انجمن معارف در تهران تأسیس شد. شماره اول آن در چهار صفحه به خط نسخ، در قطع وزیری، یعنی اندازه‌های ۲۴ در ۱۷ سانتی‌متر و چاپ سنگی، بدون ذکر نام چاپخانه در شعبان سال ۱۳۱۶ در زمان سلطنت مظفرالدین‌شاه قاجار منتشر شد. ادوارد براون سال آغاز انتشار آن را به اشتباه سال ۱۳۱۷ نوشته است. در میان نوشته‌های سرلوحه جمله: «این روزنامه از قید رسمیت آزاد است» دیده می‌شود. در ماه دو شماره در دارالخلافه تهران به قیمت سالانه در تهران شش هزار دینار چاپ می‌شد. زیر عنوان روزنامه در سرلوحه این مطلب که نشان از خط مشی روزنامه دارد، دیده می‌شود:

«در این روزنامه فقط مطالب راجع به مدارس و مکاتب ملیّه و فواید عامه نوشته می‌شود و هر نوع مطلب و اعلان دایر به این مسائل و مفید به حال ملت که منافی با دین و دولت نباشد، پذیرفته و مجاناً طبع خواهد شد.»

محتوای این روزنامه که مطالب هر صفحه آن در دو ستون تنظیم شده است، شامل اخبار در مورد تأسیس و افتتاح مدرسه در ایران و اخبار مربوط به مدرسه‌های خارج از ایران است.

سرمقاله اولین شماره روزنامه (با اندکی تغییر نه در محتوا بلکه در جهت فهم راحت‌تر مطلب) اشاراتی به این مطالب دارد:

«اجزای انجمن معارف در ایجاد مدارس ملی که بهترین وسیله برای ترقی دین و دولت و بزرگ‌ترین سرمایه برای تربیت ابنای ملت است به مقصد خود نائل شده و در این قلیل مدت، چند مدرسه معظمه جدیده با ترتیبات لازمه ایجاد و دایر کرده و باز هم در خیال ایجاد و تأسیس مدارس عدیده دیگر چه در دارالخلافه تهران و چه در سایر بلدان ایران هستند. آرای اعضای انجمن معارف بر این قرار گرفت که یک روزنامه مخصوص دایر، ترتیبات و تنظیمات مدارس ملی و مطالب راجع به آن‌ها و مفید به حال عامه ایجاد و منتشر سازند تا هم عموم عقلاهی مملکت و هوشمندان ملت که از اعضای محترم شمرده می‌شوند،



از خیالات این انجمن و از وضع مدارس جدیده کاملاً مستحضر شده و هم غیرتمندان ملت و هوشمندان مملکت خیالات عالی و افکار مفید خود را نوشته و ارسال کنند تا در این روزنامه منتشر شده و عموم اهالی مملکت از آن مطلع و منتفع گردند.

بنابراین پس از تحصیل اجازه و امتیاز مخصوص از طرف مظفرالدین شاه به انتشار این روزنامه اقدام کرده و آن را موسوم به روزنامه معارف نموده و بعد از این ماهی دو نمره از آن به طبع خواهد رسید؛ ان شاءالله تعالی. و هر نوع نوشتجات راجع به امور مدارس ملی و مفید به حال عامه که به این اداره برسد، در صورتی که منافعی با دین و مخالف با دولت نباشد، پذیرفته و مجاناً طبع خواهد شد. اجزای این مجلس محترم خواهش می کنند که نوشتجاتی را که برای مندرج شدن در این روزنامه می فرستند، به کلی خالی از اغراق و تملق باشد تا همه کس از خواص و عوام، منتفع از آن توانند شد و در ذکر اسامی از ذکر عنوانات زائد خودداری کنند.»

سپس در مطلبی تحت عنوان «اخبار راجعه به انجمن معارف» شرحی درباره رضایت مظفرالدین شاه از عملکرد انجمن که در راستای اجرای وظایف محوله از سوی او بوده، داده و سپس دستخط شاه خطاب به **نیرالملک** که در آن زمان دارای سمت وزیر علوم و معارف بوده، در رجب ۱۳۱۶ به این صورت نوشته شده است:

«نیرالملک، وزیر علوم و معارف، چون کار ایجاد مدارس و مکاتب ملیّه و کتابخانه ملّتی به فضل خدا و حسن اقدامات و مراقبات شما و اجزای انجمن معارف پیشرفت کامل حاصل نموده و موجب خرسندی خاطر ما گردیده است و امیدواریم ان شاءالله روزبه روز بهتر و کامل تر شود و از طرف ما باید مراقبت و توجه مخصوص در این باب بشود و در حقیقت ریاست این اداره و مجلس حق شخص همایون ما است. لہذا شما را که شخص مجرب کافی و دولت خواه و بی غرض و از اوضاع داخله و خارجه کاملاً با اطلاع هستید، از جانب خودمان مخصوصاً مأموریت می دهیم که زائداً علی ماسبق مراقبات کامله در انتظام امر مدارس و مکاتب و مجلس انجمن معارف و حفظ احترام اعضای آن به عمل آورده و راپورتها و عرایض و مستدعیات انجمن را که راجع به امر مدارس ملیّه و کتابخانه ملّتی و صندوق انجمن است، به اطلاع جناب مستطاب اشرف صدراعظم بدون تأخیر به عرض برسانید و احکام لازمه را به هر طور صلاح بدانید صادر و مجری نمایید که ما شخص شما را در امورات مذبوره مسئول می دانیم لاغیر. شهر رجب المرجب ۱۳۱۶».

این مجلس دوز در هفته در روزهای یکشنبه و چهارشنبه به طور منظم از چهار ساعت به غروب مانده تا غروب برگزار می شد و اعضای انجمن با حضور وزیر علوم و معارف به مذاکرات مفید مشغول می شدند. خلاصه مذاکرات و اقدامات این مجلس در روزنامه معارف منتشر می شد:

«**اخباری راجع به مدارس:** روز یکشنبه ۲۶ ام رجب جلسه ای با حضور وزیر علوم و معارف در مدرسه علمیه و ابتدائیه که در خیابان لاله زار واقع بود و ریاست آن را علی خان ناظم العلوم برعهده داشت، با حضور تمام اعضای انجمن تشکیل شد. اعضا تا غروب آفتاب مشغول مذاکره بودند. مدرسه مذکور هشت ماه بود که دایر شده و متجاوز از سیصد نفر دانش آموز داشت. وضع تحصیل دانش آموزان پس از برگزاری امتحانات، نشان از ترقی فوق العاده آن بود که در روزنامه اطلاع درج گردید.»

□ علی ناظم العلوم (۱۲۷۷-۱۲۲۸ خورشیدی)

او نوه دختری رضاقلی خان هدایت (دومین رئیس دارالفنون) بود. وقتی در سال ۱۲۹۰ قمری ناصرالدین شاه برای اولین بار به اروپا سفر کرد، وی همراه دایی خود، **علیقلی خان مخبرالدوله** که از ملازمان شاه در آن سفر بود، به پاریس رفت و در مدرسه نظامی «سن سیر» در رشته توپخانه به تحصیل مشغول شد. پس از بازگشت به ایران، مدتی مترجم واگنر، معلم دارالفنون بود. واگنر اتریشی بود و علاوه بر فنون نظامی با علوم طبیعی هم آشنایی کامل داشت و در دارالفنون، علوم طبیعی تدریس می کرد.

پس از شروع کار
مدرسه علمیه
که با نظمی خاص
آغاز شد، توجه
فرهنگ‌دوستان
به آن جلب شد و
کمک‌های مالی
از هر سو به
انجمن معارف
رو کرد

میرزا علی‌خان زمانی که کار خود را در دارالفنون با کاردانی و لیاقت انجام می‌داد، مورد توجه ظل‌السلطنه، حاکم مقتدر اصفهان و پسر ناصرالدین شاه قرار گرفت و از طرف او به اصفهان دعوت شد تا سپاهی را که در اصفهان گرد آورده بود، تربیت کند. ناظم‌العلوم این دعوت را پذیرفت و در اندک مدتی سپاه اصفهان را مرتب کرد. این خبر در تهران به گوش شاه رسید. او واگنر اتریشی را برای بازرسی به اصفهان فرستاد. واگنر پس از مراجعت از اصفهان، شاه را از نیروی نظامی ظل‌السلطنه ترساند و شاه نیز به پسرش دستور داد که سپاه اصفهان را منحل کند و میرزا علی‌خان را به تهران بفرستد. او مدتی نیز به علت اختلاف سرحدی با روس‌ها به خوی رفت و بعد از مرگ ناصرالدین‌شاه به تهران بازگشت.

۴۶ سال پس از تأسیس دارالفنون که در زمان خود به منزله دانشگاه و مرکز آموزش عالی بود، نخستین دبیرستان در ایران در ذی‌الحجه سال ۱۳۱۵ مطابق با سال ۱۲۷۵ خورشیدی افتتاح شد. انجمن معارف پایه‌گذار این مؤسسه بود. در هفتمین جلسه انجمن، موضوع تأسیس مدارس جدید و توسعه معارف مورد بحث قرار گرفت و علی‌خان ناظم‌العلوم مأمور یافتن مکان مناسب برای مدرسه علمی و ابتدایی شد. این مدرسه که آن را «مدرسه علمیه» نامیدند، پس از چند روز تأسیس شد و همه امور آن به عهده ناظم‌العلوم گذاشته شد. مدرسه علمیه شامل دو قسمت ابتدایی و متوسطه بود. دانش‌آموزان بخش متوسطه فرزندان اعیان و اشرافی بودند که در مکتب‌ها یا خانه‌های خود مختصری خواندن و نوشتن فرا گرفته بودند. دانش‌آموزان بخش ابتدایی را نوآموزان تشکیل می‌دادند. این مدرسه با شهریه دانش‌آموزان و کمک‌های مردمی اداره می‌شد.

علی ناظم‌العلوم
در نوجوانی



پس از شروع کار مدرسه علمیه که با نظمی خاص آغاز شد، توجه فرهنگ‌دوستان به آن جلب شد و کمک‌های مالی از هر سو به انجمن معارف رو کرد. محل اولیه مدرسه در یکی از کوچه‌های لاله‌زار تهران بود. این محل خانه یکی از زنان ناصرالدین‌شاه به نام شمس‌الدوله بود. نکته مهم آن است که چون درآمد مدرسه افزایش یافت و اقبال عمومی زیاد شد، انجمن معارف از اضافه بودجه همین مدرسه، مدرسه دیگری به نام «شرف» تأسیس کرد. تحصیل در مدرسه شرف رایگان بود. در واقع این مدرسه برای خانواده‌های کم‌درآمد تأسیس شده بود و علاوه بر آنکه دانش‌آموزان چیزی نمی‌پرداختند، مبلغ پنج ریال در هر ماه هم دریافت می‌کردند تا لوازم‌التحریر خود را تهیه کنند.

ریاست علی‌خان ناظم‌العلوم بیش از یک سال دوام نیاورد و به دلیل اختلافی که میان او و اعضای انجمن معارف پیش آمد، استعفا داد. متن استعفا او که در «روزنامه تربیت»، شماره ۱۳۸، سوم

مدرسه علمیّه یگانه
مدرسه‌ای بود که
معلم ورزش
و ژیمناستیک
داشت

ذی‌الحجه سال ۱۳۱۶ چاپ شد، چنین است:

«این بنده، علی‌خان ناظم‌العلوم از ریاست مدرسه علمیّه و ابتداییه استعفا کردم، اولیای اطفال بدانند.»

میرزا علی‌خان چند کتاب و رساله به زبان فارسی ترجمه کرد. برخی از آثار وی عبارت‌اند از: حکمت ریاضی؛ حکمت ریاضی، اصول علم حساب و جبر و مقابله و لگاریتم؛ حکمت ریاضی، اصول علم حساب و جبر و مقابله و تصاعدات و لگاریتم؛ حکمت طبیعی، اصول علم فیزیک. ناظم‌العلوم چندی هم معلم دارالفنون شد. اما هیچ‌گاه از این کارها رضایت درونی نیافت و در نتیجه دل‌سرد و افسرده شد و سرانجام در ۴۹ سالگی درگذشت.

در دو شماره بعد روزنامه تربیت چنین می‌خوانیم:

«اعلان از حوزه مبارکه انجمن معارف: چون جناب ناظم‌العلوم به واسطه علت مزاج از ریاست مدرسه مظفریه علمیّه و ابتداییه استعفا نمودند و برای این خدمت ملی شخص کافی عالمی متصف به اوصاف حمیده لازم بود، لهذا از طرف انجمن معارف مجلس تأسیس مکاتب ملّیه مظفریه به تصویب جناب جلال‌مآب عالی مهدی‌قلی‌خان خان‌خانان مخبرالسلطنه که دارای تمام جهات مرجحه می‌باشند، به ریاست مدرسه علمیّه و ابتداییه برقرار شدند که ان‌شاءالله تعالی، به مقتضای کمال و کیاستی که دارند، این کار ملی مهم را اداره نمایند.»

خوشبختانه وجود این مدیر لایق که بعدها به مقام نخست‌وزیری ایران هم رسید، مدرسه را بیش از پیش رونق بخشید و دانشمندان دیگری هم برای تدریس در مدرسه دعوت به کار شدند. معلمان مدرسه علمیّه، با استفاده از متون درسی کشورهای اروپایی به تدریس درس‌های ریاضی و علوم تجربی پرداختند. جزوه‌نویسی در همین مدرسه آغاز شد و جزوه‌های درسی، پس از چند سال، به صورت کتاب‌های درسی درآمد. یکی از جزوه‌های درسی «دوره علم فیزیک» است که به سال ۱۳۳۵ قمری به چاپ رسید.

مرحوم سعید نفیسی در خاطرات دوران تحصیلی خود می‌نویسد:

«در دوره متوسطه هیچ کتاب درسی نبود و محصلین همه دروس را، چه در ادبیات و چه در ریاضیات و چه در طبیعیات، جزوه می‌نوشتند ...»

مدرسه علمیّه یگانه مدرسه‌ای بود که معلم ورزش و ژیمناستیک داشت و در سال سوم متوسطه مرحوم ابوالحسن گران‌مایه که از نظامیان تحصیل کرده در آلمان بود، عملیات نظامی را مشق می‌داد. حتی تفنگ‌های کوچکی برای محصلان آورده بودند که با آنها عملیات نظامی می‌کردند. در این مدرسه و همه مدرسه‌های جدید دیگر با همه تجدیدی که در آنها به کار می‌بردند، تنبیه بدنی معمول بود و فلک و شلاق از وسایل عادی تنبیه محسوب می‌شد. البته در مقابل از شاگردان خوب هم با ورقه‌های آفرین، صدآفرین و هزارآفرین تشویق به عمل می‌آمد و در مدرسه علمیّه به‌خصوص کتاب هم جایزه می‌دادند. این مدرسه کتابخانه‌ای کوچک و

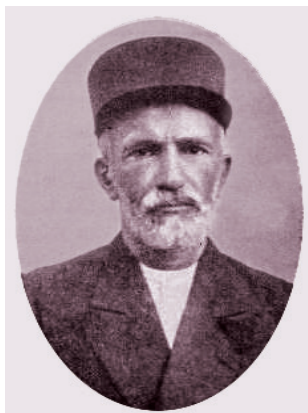
چندنقشه جغرافیا و دو کره کوچک هم داشت که مدرسه‌های دیگر از آن محروم بودند. معلمان مدرسه علمیه از میان آگاه‌ترین افراد به مسائل علمی و تربیتی انتخاب شدند و تا آنجا که امکان داشت، با همه وجود به کار آموزش و پرورش پرداختند. از جمله این معلمان، که از پیشروان آموزش و پرورش جدید ایران بودند، عبارتند از:

♦ محمدعلی فروغی (۱۳۲۱-۱۲۵۴ خورشیدی)

از رجال سیاست‌مدار و ادیب بود. او تحصیلات خود را در رشته پزشکی در دارالفنون شروع کرد؛ ولی پیش از گرفتن پایان‌نامه پزشکی، به ادبیات و فلسفه مشغول شد. فروغی علاوه بر معلمی مدرسه علمیه و مدرسه سیاسی، مترجم زبان‌های انگلیسی و فرانسه در دارالترجمه دولتی بود. در دوره دوم مجلس شورای ملی به نمایندگی از سوی مردم تهران انتخاب شد و مدتی نیز بر کرسی ریاست مجلس تکیه زد. چند بار وزیر شد و سه بار فرمان نخست وزیری گرفت.

فروغی از پایه گذاران نخستین فرهنگستان ایران بود. او به زبان و ادب فارسی علاقه نشان می‌داد و هم‌زمان با فعالیت‌های سیاسی، اوقات خود را صرف کارهای ادبی و فلسفی می‌کرد و آثار فراوانی از خود به یادگار گذاشت. او هنگام تدریس در مدرسه علمیه که معلم فیزیک آن بود، به تهیه مقدمات تألیف یک دوره کتاب فیزیک همت گماشت.

♦ میرزا عبدالعظیم خان قریب (۱۳۴۴-۱۲۵۷ خورشیدی)



عبدالعظیم خان قریب

استاد زبان و ادبیات فارسی بود. در گرکان اراک چشم به جهان گشود. در زادگاه خود با مقدمات زبان فارسی و عربی آشنا شد. در سال ۱۲۷۱ خورشیدی به تهران آمد و به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. در سال ۱۲۷۷ در مدرسه علمیه به تدریس زبان و ادبیات فارسی مشغول شد. از آن پس در دارالعلم، دانشکده ادبیات و دانش‌سرای عالی به تدریس و تحقیق و تألیف ادامه داد. استاد قریب آثار ماندنی بسیار تألیف کرده است. نخست قواعد زبان‌شناسی را به سبک دستور زبان‌های اروپایی تدوین کرد. سپس دستور زبان فارسی را در چهار جلد نوشت. دوره «فراید الادب» که منتخبی از نظم و نثر ادب فارسی است، سال‌ها در مدرسه‌ها تدریس می‌شد. تاریخ برامکه را نوشت و کتاب‌های کلیله و دمنه، گلستان و بوستان را با شرح کامل به چاپ سپرد.

♦ حاج میرزا محمدحسین قریب (۱۳۰۵-۱۲۲۳ خورشیدی)

ملقب به «شمس‌العلمای گرکانی» از استادان فقه، اصول، حدیث و تفسیر بود. او در گرکان، یکی از روستاهای اراک، متولد شد. پدرش تاجر بود و در قم سکونت داشت. از این رو شمس‌العلمای تحصیلات اولیه خود را در قم گذراند و سه سال بعد در نجف اشرف در محضر میرزا محمدحسن شیرازی به تکمیل علوم دینی پرداخت. با استعداد و حافظه

درخشانی که در خود ظاهر کرد، در جوانی در ردیف عالمان زمان خود قرار گرفت. از آن پس به سیر و سفر پرداخت و از هند، قفقاز، ترکستان، استانبول و حجاز دیدن کرد. او در این سفرها علاوه بر زبان عربی، زبان‌های انگلیسی و فرانسوی را آموخت و با آداب و رسوم و فرهنگ سرزمین‌های دیگر آشنا شد. به طوری که وقتی در ایران در مدرسه علمیّه، سیاسی و نظامی و در دارالفنون به تدریس پرداخت، بر موضوع درس خود مسلط و با روش‌های جدید آموزش آشنا بود. او مدتی مستشار دیوان عالی تمیز بود، ولی هیچ‌گاه درس و کلاس را رها نکرد. خطی خوش داشت، شعر می‌گفت و کتاب می‌نوشت. «حواشی معالم»، «لطائف الحکم» (سه جلد)، «ابداع البدایع» در بدیع و «حکایات برگزیده از کتاب‌های عربی» از تألیفات اوست.

در روزنامه آمده است: «روز چهارشنبه ۲۹م شهریور وزیر علوم و معارف به اتفاق تمام اعضای انجمن از چهار ساعت به غروب مانده به «مدرسه افتتاحیه» واقع در محله «سنگلج» رفتند که تحت نظارت و مراقبت مخصوص «الملک» سه ماه بود مفتوح شده بود. اولاً تمام اطاق‌های درس شاگردان را گردش و رسیدگی نموده، حسن ترتیبات و وضع کار و تنظیمات این مدرسه را کاملاً مشاهده نمودند و پس از آن در اتاقی نشسته و شاگردان هر طبقه را دسته‌دسته حاضر کرده و از هر طبقه چندین نفر را به معرض امتحان درآوردند و درس‌های آن‌ها را از الفبا گرفته تا کتاب‌های فارسی و عربی و علم صرف و نحو و ترجمه قرآن و مشق خط و علم حساب و علم جغرافی و غیره، هر یک را امتحان نمودند و خیلی خوب از عهده برآمدند که تحصیلات و ترقیات فوق‌العاده آن‌ها در این قلیل مدّت، اسباب حیرت همگی گردید.

عجب‌تر آنکه تمام شاگردان به طوری در کمال شوق برای امتحان حاضر بودند که

محمود مفتاح‌الملک

چون به واسطه ضیق وقت ممکن نبود، همه را یک‌یک امتحان نمایند، اطفالی که امتحان نشده بودند همگی گریان شدند که چرا ما را امتحان نکردند. وزیر علوم و معارف آن‌ها را تسلی داده، فرمودند امروز وقت نداریم. ان‌شاءالله وقت دیگر باز همه را امتحان خواهیم کرد. پس از آن به میان حیاط مدرسه که خیلی بزرگ و وسیع است آمدند و تمام شاگردان که قریب دویست نفر حاضر بودند، در کمال نظم و آراستگی از حضور انجمن معارف گذشته مرخص شدند و بعد از آن باز مجلس انجمن در اتاقی منعقد شده و تا پاسی از شب گذشته مشغول مذاکرات لازمه بودند.»



◆ محمود مفتاح‌الملک (۱۳۰۴-۱۲۶۰ قمری)

در تهران به دنیا آمد و از کودکی به کشف رمز علاقه داشت. اسناد قدیمی را که به صورت رمز نوشته شده بودند،

میرزا علی اکبر خان
نفیسی ناظم الاطبا
در سال ۱۳۱۵ قمری
مدرسه شرف را
پایه گذاری کرد

به تقاضای دوستان پدرش رمزگشایی می کرد. از جمله نسخه‌ای را که میرزا یوسف خان مستشارالدوله به رمز نوشته و حل آن را به مسابقه گذاشته بود، حل کرد و یک ساعت کرونومتر دار جایزه گرفت. پس از موفقیت در این کار، ناصرالدین شاه او را مأمور کشف مکاتبات رمزی قائم مقام فراهانی و محمدشاه قاجار کرد. پس از توفیق در این کار، در ۲۶ سالگی به استخدام وزارت امور خارجه درآمد و منشی رموز وزارت خارجه و مأمور تدوین مکاتبات رمزی این وزارت خانه شد. در سال‌های بعد و به دنبال او، بسیاری از برادران و سپس فرزندان او نیز وارد وزارت خارجه شدند. در دوران مظفری از پایه گذاران و اولین اعضای انجمن معارف بود. در سال ۱۳۱۵ قمری به عنوان خزانه دار انجمن معارف و سردبیر روزنامه معارف معرفی شد.

قسمت نهایی روزنامه به شرح احوال مشاهیر از حکمای متأهلین که قبل از ظهور اسلام علم بر سر عالمیان برافراشته‌اند، اختصاص داشت که در شماره اول به شرح حال «آمون حکیم» پرداخت که ناتمام ماند و در شماره دوم به انتها رسید و در آن شماره شرح حال «صائب حکیم» را آغاز کرد و همین‌طور ادامه داشت.

در شماره دوم اخبار مربوط به مدرسه شرف که نزدیک دروازه شمیران بود و ریاست آن برعهده میرزا علی اکبر خان ناظم الاطباء بود، و نیز مدرسه مظفریه واقع در محله بازار که تحت نظر حاج شیخ مهدی کاشانی بود، درج شد.

♦ میرزا علی اکبر خان نفیسی ناظم الاطباء کرمانی زاده (۱۳۳۰-۱۲۲۶ خورشیدی)

او که در کرمان به دنیا آمد، پزشک، ادیب و دانشمند، از برجسته ترین پزشکان ایرانی اواخر دوره قاجار و پزشک ویژه دربار مظفرالدین شاه بود و از افراد تأثیرگذار در امضای فرمان مشروطیت توسط شاه محسوب می شود. وی در پایه گذاری چند بیمارستان به شیوه اروپایی در تهران و مشهد نقشی مهم داشته است و از پایه گذاران نخستین مجلس حفظ الصحه در تاریخ ایران به شمار می آید. ضمناً بنیان گذار مجله حفظ الصحه بود. تألیف های پزشکی وی بی شمار بودند و در زمینه های غیر پزشکی نیز شاخص ترین اثر او واژه نامه ای بزرگ و چهارجلدی است که به نام «فرهنگ ناظم الاطبا» یا «فرهنگ نفیسی» معروف است. او پدر استاد سعید نفیسی است.

میرزا علی اکبر خان نفیسی ناظم الاطبا در سال ۱۳۱۵ قمری مدرسه شرف را پایه گذاری کرد و تا سال ۱۳۲۳، نه تنها بدون دریافت پاداش مالی آن را به شیوه اروپایی اداره می کرد، بلکه بیشتر مخارج آن را شخصاً می پرداخت. در روزنامه معارف در این باره نوشته شده است که شاگردان این مدرسه اطفال یتیم و اولاد اشخاص فقیر

ناظم الاطباء



و بی‌بضاعت هستند که به هیچ اسم و رسم از آن‌ها دیناری مطالبه نمی‌شود، بلکه لوازم تحصیل و اسباب کار آن‌ها هم از هر قبیل داده می‌شود و مخارج و مصارف این مدرسه و مواجب رؤسا و معلمین و خدام و لوازم آن کلیتاً بر عهده انجمن معارف است که از وجوهات اعانه و صندوق انجمن ماه‌به‌ماه داده می‌شود و ۲۵۰ شاگرد در آنجا مشغول تحصیل هستند. همچنین پیرو خبر شماره اول آمده است: «... گروهی از اعیان و طالبان تربیت به مدرسه افتتاحیه رفته و پس از بررسی، مبلغ بیست تومان وجه نقد به رسم هدیه دادند و مدیر مدرسه کتاب‌های لازم، از قبیل رساله مسائل شرعی و کتب نصایح و امثال مناسب حال اطفال خرید و بین تمام شاگردان مجاناً تقسیم شد.»

در شماره سوم روزنامه معارف اخبار راجع به مدارس ملیّه مظفریه به مناسبت ماه مبارک رمضان، دستورالعمل خاصی در تعیین تکالیف یومیّه رؤسا و اجزای مدارس نوشته و به هر یک از مدارس ملیّه مظفریه داده شد و شرح حال اسقلینوس حکیم آغاز شد. در شماره چهارم نیز اعلام شد که مجلس معارف در ماه مبارک رمضان در هفته یک‌روز و فقط روزهای چهارشنبه تشکیل جلسه می‌دهد. ضمناً در همین شماره نیز صورت نظام‌نامه انجمن معارف که به دستخط شاه موشح گردیده بود، درج شد.

در شماره هفتم از مطالب مندرج در جریده حکمت به تاریخ ۱۵ رجب ۱۳۱۶، در تربیت ابنای ملت و فواید علم و صنعت و موجبات ترقی دین و دولت و ثروت اهالی مملکت تعریف‌ها کرده و به منظور آگاهی خردمندان آن مطالب را درج کرد.

روزنامه معارف چند سال به یک سبک و قطع انتشار یافت و شماره ۷۲ از سال سوم در تاریخ ۲۴ شوال ۱۳۱۸ منتشر شد و تنها مختصر تغییری که در آن داده شد این بود که از شماره ۲۶ سال دوم ماهی سه شماره طبع و توزیع می‌شد و همچنین اداره روزنامه، مدرسه افتتاحیه تعیین شد. در این روزنامه اسامی و مبلغ اعانه افراد برای تأسیس مدرسه‌ها نیز درج می‌شد.

منابع

۱. محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۵۴). تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران (ج ۱). انتشارات دانشگاه تهران. انجمن دانشجویان دانشگاه تهران.
۲. روزنامه معارف، شماره‌های گوناگون.
۳. سایت راسخون.
۴. صدر هاشمی، محمد (۱۳۶۴). تاریخ جراید و مجلات ایران (ج ۴). انتشارات کمال. اصفهان.
۵. فروغی، محمدعلی (۱۳۳۵ ق). دوره علم فیزیک به‌جهت تدریس در مدارس متوسطه. مطبعه میرزا علی‌اصغر. تهران.
۶. ویکی پدیا